



خلاصه جلسه قبل

بحث ما در صورتی از تلقیح مصنوعی بود که شاید قدر متیقن از ادله منع تلقیح مصنوعی است و آن صورت این است که اسپرم مرد اجنبی (غیر از شوهر) با تخمک خود زن تلقیح شود و در رحم همان زن قرار داده شود. هر چند صورت متعارف اهدای جنین این است که اسپرم و تخمک از زن و مرد دیگری باشد که به زوج نابارور اهدا می شود، اما این صورتی که مورد بحث ماست اگر منعی در کار باشد در این صورت روشن تر است.

مسئله دوم در اهدای جنین این بود که اسپرم مرد اجنبی (غیر از شوهر) با تخمک خود زن تلقیح شود و در رحم همان زن قرار داده شود. نسبت به این فرض، وجوهی برای ممنوعیت قابل طرح است. ما قبلاً این بحث را به مناسبت استنساخ بشری (تولید مشابه یا شبیه سازی) مطرح کردیم و در آنجا وجوهی را برای ممنوعیت مطرح کردیم و آن وجوه در مانحن فیه هم قابل طرح است.

در جلسه گذشته اولین وجه منع مطرح شد که استدلال به یکی از آیات حفظ فرج بود. گفته شد که آیات حفظ فرج مضامین متعددی دارند که ممکن است مفاد بعضی از آنها الزام نباشد و برخی دیگر که مفاد آنها الزام است مربوط به مردان است و اینکه مرد باید تحفظ بر فرج کند.

مسئله دوم: قرار دادن نطفه تلقیح شده از تخمک زن و مرد اجنبی در رحم خود زن

ادله منع از قرار دادن نطفه اجنبی در رحم زن اجنبیه عبارت‌اند از:

دلیل اول: استدلال به آیه ۳۱ سوره نور

خداوند متعال در آیه ۳۱ سوره مبارکه نور می فرماید:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»

این آیه ولو در کلمات مشهور، مدرک وجوب حفظ فرج حتی از خصوص نظر مورد توجه قرار گرفته است، نه وجوب حفظ فرج از مناسبات جنسی (مانند مجامعت با مرد و مساحقه)، شاید معروف فقها به این آیه استناد کرده اند بر خصوص ممنوعیت نظر و وجوب حفظ فرج از نظر دیگران، یعنی تمکین از نظر به فرج را می خواهد افاده کند، اما عرض ما این است که این آیه فی حدّ نفسه یک مفاد مطلق دارد و صرف اینکه تطبیقاتی در اعصار سابقه داشته و مصادیق معهودی قبلاً داشته، اقتضا ندارد که آیه مختص آنها باشد.

علی القاعده اینگونه است که اگر قرار باشد آیاتی ناظر به حفظ فرج باشند ولو قدر متعارف از حفظ فرج، حفظ فرج از اعمال جنسی است، و اعمال جنسی هم معمولاً افراد متعارفی در آن مفروض است، اما در این آیه خصوصیت حفظ فرج از اعمال جنسی نیامده است، یا در آیه فقط اعمال متعارف جنسی نیامده تا شامل اعمال غیر متعارف جنسی نشود، یا حتی موارد خارج از اعمال جنسی، که بگوییم آیه شامل آنها نمی شود.

مثلاً آیه ای که رجال را امر به حفظ فرج کرده است، قدر متیقن از حفظ فرج برای رجال، زنا است، اما آیه اختصاصی به زنا



ندارد ولذا حتما شامل لواط هم می شود ولو در آیه استثنا این است «إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ» اما در عین حال امر به حفظ فرج از غیر زوج و ملک یمین، اختصاصی به زنا نخواهد داشت بلکه همان طوری که آیه دلالت بر حرمت زنا می کند، دلالت بر حرمت لواط هم می کند و اختصاصی به حرمت زنا ندارد.

دلالت آیه حفظ فرج بر حرمت استمناء

لذا در جلسه گذشته گفتیم که در برخی از روایت به این آیه استناد شده برای وجوب تحرز از استمناء برای رجال. «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى فِي نَوَادِرِهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلَ الصَّادِقُ ع عَنِ الْخَضَخَةِ فَقَالَ إِنَّهُمْ عَظِيمٌ قَدْ نَهَى اللَّهُ عَنْهُ فِي كِتَابِهِ - وَفَاعِلُهُ كَنَاحٍ نَفْسِهِ وَ لَوْ عَلِمْتَ بِمَا يَفْعَلُهُ مَا أَكَلْتَ مَعَهُ فَقَالَ السَّائِلُ فَبَيَّنْ لِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فِيهِ فَقَالَ قَوْلُ اللَّهِ فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ»^۱

این روایت معتبره است. پدر «احمد بن محمد بن عیسی» ثقة است چرا که اگر ثقة نبود احمد بن محمد بن عیسی از او روایت نقل نمی کرد. احمد بن محمد بن عیسی، احمد بن محمد بن خالد برقی را از قم اخراج کرد به جهت اکتار نقل از مجاهیل و ضعفا، حال نمی شود از پدرش روایت نقل کند در حالی که پدرش ثقة نباشد و ضعیف باشد چنین چیزی بعید است. اگر هم این کتاب به اشتباه به احمد بن محمد بن عیسی نسبت داده شده باشد و برای حسین بن سعید باشد باز هم خوب است و حسین بن سعید از معصوم نقل کرده است. حسین بن سعید از برادرش حسن بن سعید روایت نقل کرده است اما از پدرش روایت نقل کرده باشد، معهود من نیست.

از امام صادق علیه السلام در مورد حکم خضخضه یعنی استمناء پرسیده شد حضرت علیه السلام فرمودند این کار در کتاب ممنوع است. راوی می پرسد که کدام آیه دلالت بر منع این کار می کند؟ حضرت علیه السلام فرمودند «قَوْلُ اللَّهِ فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ»، یعنی این آیه سوره مؤمنون «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَفْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ (۵) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶) فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۷)».

معمولا شاید از «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» همبستر شدن با غیر زوج و ملک یمین به ذهن بیاید و حال اینکه اختصاصی به آن ندارد و شامل استمناء و لواط هم می شود.

حضرت علیه السلام می فرمایند مقتضای آیه این است که استمناء جایز نیست چون حضرت علیه السلام «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» را بر استثنا و حصر متفرع کرده است معنای آن این نیست که صدر آیه که امر به تحفظ بر فرج است دلالت ندارد بلکه صدر آیه دلالت دارد و ذیل آیه مؤکد مفاد صدر است.

بله این آیه وصف مؤمنین را ذکر می کند اگر این ذیل را برای آن در نظر نگیریم ممکن است صدر آیه به خودی خود دلالتی نداشته باشد چون اوصاف مؤمنین را ذکر می کند

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲) وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳) وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۲۸؛ ص ۳۶۴.



فَعِلُونْ (۴) وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵)»

اینطور نیست که کسی این اوصاف را نداشته باشد، بگوییم کافر است. ممکن است کسی بگوید وصف مؤمن اعم از این است که انسان مُلَزَم به آن باشد مثل این که گفته شود مؤمن کسی است که نماز شب می خواند و مقید به نوافل است، اگر کسی این صفات را نداشته باشد مؤمن به آن معنا نیست اما گناه هم نکرده است. لذا در آن مورد برای اینکه امام علیه السلام قضیه را به طور مُنَقَّح بیان بفرمایند، فرمودند که خداوند بعد از این موارد فرموده است «فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ».

نکته: این قسمت از آیات سوره مؤمنون «إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» مربوط به مردان است به این قرینه که مسلماً ملک یمین فقط مخصوص مردان است و شامل زنان نمی شود یعنی اینطور نیست که این حکم تسری داشته باشد در موردی زنی که مالک عبد است و اصلاً محتمل نیست که بر زنان نسبت به عدهایشان تحفظ بر فرج لازم نباشد. این امر مسلّم است و از قبیل قرینه حافه بر کلام است همین باعث می شود که آیه از همان اول نسبت به زنهایی که مالک عبد هستند، اطلاق پیدا نکند. مورد آیه حفظ فرج است و در مورد حجاب نیست.

اگر ما باشیم و آیه «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» با صرف نظر از برخی قرائن مدعا و صرف نظر از برخی شواهد خارجی که اشاره خواهیم کرد، دلالت دارد بر اینکه زن باید تحفظ از فرج کند و قدر متیقن آن زنا، مساحقه و اعمال جنسی است اما آیه اختصاصی به این موارد ندارد و هر آنچه که بر آن تحفظ بر فرج صدق کند شامل می شود. بلکه تحفظ بر فرج باید نسبت به اعمال مناسب با فرج باشد اما مثلاً مراد این نیست که زنان حمام نروند و نسبت به تر شدن فرج، تحفظ کنند، مراد آیه این نیست بلکه باید اعمال مناسب با فرج باشد.

شمول امر به اجتناب از شیء نسبت به تمام مناسبات آن

مثلاً اگر گفته شده که از خمر اجتناب کنید، قدر متیقن از وجوب اجتناب آن، شرب است اما یکی از مناسبات آن استفاده های استعمالی است. مثلاً آن را در سرمه قرار می دهند برای تقویت چشم، اجتناب شامل این مورد هم می شود. اگر ما باشیم و آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوا لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ»^۱ این آیه دلالت می کند بر اینکه باید اجتناب شود از آنچه که مناسب با خمر است و اینطور نیست که فقط شامل شرب باشد، اکتحال به آن و تداوی با آن هم جزء مناسبات است. نه فقط تداوی به شرب بلکه تداوی به ذلک هم جزء مناسبات است. مثل اینکه خمر را برای نرم شدن پوست استفاده کنند. آیه هیچ قصوری نسبت به شمول این موارد ندارد. اما دلیل داریم که مثلاً استفاده از خمر برای ذلک اشکال ندارد. اما اطلاق آیه اقتضای حرمت همه مناسبات خمر را دارد و شیوع و متعارف بودن برخی از مناسبات موجب اختصاص آیه نخواهد شد.

مانحن فیه هم از این قبیل است، یکی از مناسبات فرج، استیلاد است و استیلاد یک امر مقصودی است در مورد فرج. اگر امر به تحفظ از فرج شده است، همان طوری که شامل مواقعه می شود، شامل استیلاد هم می شود. اطلاق تحفظ بر فرج اقتضا

۱. مائده: ۹۰.



می کند هر آنچه که مناسبت با فرج دارد، باید نسبت به آنها تحفظ بر فرج صورت گیرد مگر به مقداری که استثنا شده و مُجاز است مثل شوهر که نباید نسبت به او تحفظ بر فرج شود از مواقع، و نسبت به انزال و استیلاد شوهر، بر زن تحفظ بر فرج لازم نیست. مشروعیت ازدواج، یک امر مسلّم و قطعی است و نسبت به آن اصلاً برای آیه اطلاقی شکل نمی گیرد و از قبیل قرینه حافه به کلام است.

نکته: در مورد مرد گفتیم که آیه دلالت دارد که استمناء جایز نیست اما استمناء برای زن، اگر نص خاص نباشد، آیه «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» دلالت بر ممنوعیت آن می کند. همان طوری که امام علیه السلام برای ممنوعیت استمناء مردان به آیه «فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» استناد فرمودند، ما هم بر ممنوعیت استمناء زنان می توانیم به آیه «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» استناد کنیم. نتیجه اینکه آیه «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» دلالت دارد بر اینکه استیلاد از غیر ناحیه شوهر، مشروع نیست.

اشکالات دلیل اول

نسبت به دلیل اول (بر مشروع نبودن قرار دادن اسپرم مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه) اشکالاتی مطرح می شود که آنها را بررسی می کنیم.

اشکال اول

آیه «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ»^۱ و «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» ناظر به حفظ فرج از نظر است بر خلاف آیات دیگر که ناظر هستند به حفظ فرج از زنا. در روایت معتبره و غیر معتبره آمده است که این آیه ناظر به حفظ فرج از نظر و نگاه است نه حفظ فرج از مواقع و مانند آن. در روایت ابی بصیر که معتبر است این مضمون آمده است و در روایات غیر معتبر دیگر و در روایات اهل سنت هم این مضمون آمده است.

روایت ابی بصیر

«و قوله: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ. فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كُلُّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ فِي ذِكْرِ الْفُرُوجِ فَهِيَ مِنَ الزَّانَا - إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ فَلَا يَحِلُّ لِرَجُلٍ مُؤْمِنٍ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى فَرْجِ أَخِيهِ - وَلَا يَحِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى فَرْجِ أُخْتِهَا»^۲

ممکن است کسی به این روایت استشهاد کند بر اختصاص این آیه به نگاه کردن، و اینکه مراد آیه، حفظ فرج از زنا نیست تا چه رسد به حفظ فرج از استیلا. کأنه این روایت در مقام حصر دلالت آیه بر وجوب تحفظ بر فرج از نگاه و نظر دیگران است

۱. نور: ۳۰.

۲. تفسیر القمی؛ ج ۲؛ ص ۱۰۱.



و آیات دیگر حفظ فرج، مربوط به زنا هستند. یعنی هم بر مرد و هم بر زن لازم است که حفظ فرج کنند از نگاه دیگران. یعنی حتی مرد باید تحفظ بر فرج کند از نگاه مردان، همچنین زن حفظ فرج کند از نگاه زنان که این معنا در برخی روایات آمده است.

سند این روایت در تفسیر قمی معتبر است و صحیحه اعلائی می باشد که با چهار واسطه نقل شده است.

روایت ابی عمرو زبیری

مؤید روایت ابی بصیر، روایت ابی عمرو زبیری است که می فرماید:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَمْرِو الزُّبَيْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ قَالَ: وَ قَالَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ مِنْ أَنْ تَنْظُرَ إِحْدَاهُنَّ إِلَى فَرْجِ أُخْتِهَا وَ تَحْفَظَ فَرْجَهَا مِنْ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْهَا وَ قَالَ كُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ مِنْ حِفْظِ الْفَرْجِ فَهُوَ مِنَ الزَّنَا إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ»^۱

مرسله صدوق

علاوه بر اینکه در یک مرسله ای از مرحوم صدوق، همین معنا آمده است.

«و سَمِعَ الصَّادِقُ ع - عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ فَقَالَ كُلُّ مَا كَانَ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ ذِكْرِ حِفْظِ الْفَرْجِ فَهُوَ مِنَ الزَّنَا إِلَّا فِي هَذَا الْمَوْضِعِ فَإِنَّهُ لِلْحِفْظِ مِنْ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْهِ»^۲

جواب به اشکال اول

به نظر ما این روایت صالح برای محدود کردن آیه به خصوص نظر نمی باشد. بعید نیست ما بگوییم: روایت نمی خواهد بگوید آیه فقط ناظر به نظر است بلکه می خواهد بگوید سایر آیات حفظ فرج، مربوط به نظر و نگاه کردن نیستند و آنها اختصاص به زنا دارند اما این آیه علاوه بر حفظ فرج از زنا، دلالت بر حفظ فرج از نظر و نگاه کردن هم دارد. این آیه ناظر است به آنچه آیات دیگر ناظر به آن نیستند. لذا ما گفتیم که بعید نیست این روایت بگوید این آیه ناظر به نگاه کردن هم هست و اگر این روایت نخواهد این را بگوید لا اقل این است که این روایت ساکت است، ما گفتیم این روایت از قبیل مفهوم لقب است نمی خواهد بگوید این آیه فقط ناظر به نظر و نگاه کردن است بلکه اثبات می کند آنچه را که آیات دیگر اثبات نمی کنند، نه اینکه روایت بخواهد بگوید این آیه فقط این را اثبات می کند.

این نکته ای که ما بیان کردیم ندیدیم کسی در ذیل این روایت بیان کرده باشد.

والحمد لله رب العالمین

^۱ . وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص: ۱۶۶.

^۲ . من لا یحضره الفقیه؛ ج ۱؛ ص ۱۱۴.